



عبدالاحمد فیض

آمادگی برای یک رویارویی نظامی میان چین و آمریکا! آیا جنگ محتمل خواهد بود؟

کاربرد ادبیات تنش آلود و ابراز آمادگی بخاطر آغاز یک رویارویی نظامی در مقیاس بزرگ از مدتهاست در روابط میان ایالات متحده و جمهوری مردم چین بر سر آب های جنوبی چین و در مجموع اقیانوس آرام که واشنگتن گسترش فزاینده نظامی چین را در تضاد با منافع امنیتی خود می‌پندارد، در جریان بوده و تعاطی التماط‌مهای تهدید کننده در اداره ترامپ در برابر چین گستره بی‌پیشنه ای کسب نموده است.

آنچه که درین راستا بیش از همه افکار عامه را بخود معطوف مینماید، همانا کسب مهمترین اطلاعات راهبردی از منابع فوق العاده سری امریکائی است که درین فرصت زمانی در اختیار تیم بزرگ پژوهشی چینی قرار گرفته است لذا از دید این هسته محرم تحقیقات راهبردی دولت چین، اطلاعات بدست آمده، شواهد انکارناپذیری را بدست میدهد که ارتش ایالات متحده به شدت مصروف آرایش صنوف متفاوت رزمی و پوتنسل های جنگی به قصد یک تهاجم مسلحانه علیه تمامیت ارضی چین بوده است، لذا بی تردید آمادگیهای سری راهبردی ارتش ایالات متحد باعث شده است تا رهبری سیاسی و نیز نظامی چین از سوی پژوهشگران راهبردی آن کشور گوشزد شده است تا به اتخاذ تدابیر فوق العاده دفاعی استراتژیک مبادرت ورزد، هکذا تصمیمات ازینگونه در چنان فضای بشدت پرتنش در روابط دو قدرت در دستور کار درر بجینگ قرار میگیرد که قبل برین، شی جین پینگ رهبر چین در هفتادمین سالگرد اعلام موجودیت جمهوری خلق چین به ارتش خلق چین دستور صادر نمود که برای پیروزی در یک جنگ تمام عیار آماده باشند.

مسلم مینماید که سده کنونی قرن دگرگونیهای پیچیده و تحولات سیل آسآء به موجب تشدید رقابتهای میان قدرتهای مؤثر در عرصه های متفاوت نظامی، سیاسی و تجاری در مناسبات بین المللی خواهد بود لذا مجموع این تحولات و تمهیدات بیشترین دربرگیرنده حوزه بزرگ در آسیا پاسفیک میتواند باشد که توسعه و پیشرفت های حیرت انگیز و سریع اقتصادی و نظامی چین بمثابة هیولای جهانی اقتصاد موجب آن گردیده است.

ارتش جمهوری خلق چین بر بنیاد دکتورین نظامی اصل تسلط بر زمین، روند توسعه و مدرن سازی را با سرعت می پیماید، این دکتورین محصول تفکر (سون تزو) استراتژیست نظامی عصر چین باستان است، موصوف در اثر معروفش (هنر رزم) مهمترین ابزار حاکمیت بر زمین را داشتن نیروی قدرتمند نظامی میدانست که در دوران معاصر قلمروهای هوائی و دریائی و نیز تسلیحات غیر متعارف در آن اضافه شده است، لذا چین با پیروی ازین دکتورین و تلاش بی وقفه در راستای ایجاد ارتش قدرتمند، به تولید موشک بالستیک (دی-اف-۴۵) با برد دوازده هزار کیلومتر، (موشک دانگ فنگ-۴۱) و هکذا عملیاتی سازی جنگنده های نسل پنجم (جی-۲۰) دارای توانای حمل تسلیحات استراتژیک هوا به هوا و هوا بر زمین طلسم برتری هوائی واشنگتن را درهم شکسته است. چین علی الرغم موفقیت های درخشان در زمینه مدرن سازی نیروهای مسلح اش در عرصه دفاعی و تهاجمی با تعقیب گذار از یک ارتش سنتی و دارای کرکتر دفاعی به یک ارتش معظم حاوی ظرفیتهای بلند تهاجمی بوضوح خشم واشنگتن را برانگیخته است.

ارتش خلق چین مرکب از بخشهای متفاوت، (۲،۳) میلیون پرسونل آماده خدمت در اختیار دارد که با توجه به ارتقای سقف روزافزون بودجه نظامی چین که موازی به سطح رشد سرمایه‌آوراقتصادی آن کشور و در یک رقابت راهبردی با ایالات متحده مشخص میشود، باعث شده است تا ارتش خلق چین این امکان را به رهبری چین دهند تا جمهوری خلق چین در زمینه کنترل دریائی و سیادت سنتی منطقوی، نقش تاریخی اش را مجدداً بدست آورده و بیک رقیب و خطر بالقوه برای امریکا مبدل گردد.

اذعان باید داشت که ارتش امریکا کماکان یگانه قدرت بی رقیب در مقیاس جهان پنداشته میشود، اما رشد اقتصادی کم سابقه چین در چند دهه اخیر، دستیابی به فن آوریهای کم نظیر در عرصه نظامی و بخصوص انواع تسلیحات پنهان در زرادخانه های ارتش چین، و هکذا تجهیز نیروهای مسلح به وسایط زرهی مدرن، انجام مانورهای دریائی چین در آب های جنوبی چین و انحصار مارکیتهای جهانی از محصولات چینی، مجموع فکتورهای است که از دید پنتاگون و مراکز پژوهشی ایالات متحده، ناقوس خطر از سوی چین به صدا درآمده است.

با عنایت به دلایل مؤجرفوق، رهبری کاخ سفید، بخصوص دولت ترامپ در سالهای پسین اقدامات بی پیشینه را در ضدیت با چین به هدف مهار آن کشور، از تعاطی التماثوم ها تا وضع تعزیرات اقتصادی و راه اندازی سروصدا های رسانه ای، انجام داده است، پنتاگون به کرات به استناد به گزارشات نهادهای پژوهشی آن کشور و بویژه داشته های مرکز تحقیقی (رند) مربوط به کاخ سفید از آمادگی ارتش خلق چین در حمله علیه امریکا و متحدان خبر داده است که بیان انکارناپذیر عمق اختلافات نظامی، اقتصادی و سیاسی ایالات متحده با کشور چین پنداشته شده و خطر بالفعل رویا روی دو کشور را نسبت به هر زمان دیگر که مقامات رده نخست دولتی هر دو کشور از انکار نمی نمایند، مضاعف کرده است.

توسعه فزاینده حضور نظامی چین علی الرغم اینکه این کشور، بعد از سال (۱۹۷۹) یعنی زمان حمله برویتنام هیچ تهاجم در بیرون از مرزهای ملی انجام نداده است، در حوزه دریای جنوبی چین، رزمایش های مشترک با روسیه، مأموریت صلح بانی ملل متحد و ایجاد بیزنظامی در شاخ افریقا و هکذا توسعه بی وقفه و مستدام تجاری در کشورهای جنوب امریکا که حوزه نفوذ سنتی و حیاط خلوت و اشنگتن پنداشته میشود، نگرانی جدی دیگری است که به تقابل و اشنگتن و بی جینگ دامن خواهند زد.

ظهور شیوع اپیدمی کووید (۱۹) از شهر ووهان چین و گسترش ویروس در مقیاس دنیا که پیامدهای نهایت مرگباری اقتصادی، بشری و سیاسی در قبال داشته و به اقتصاد امریکا ضربات محکم وارد کرده است، بهانه یابی دیگری به رهبری امریکا دست داده تا کاخ سفید بنام ویروس چینی، دولت چین را مسوول تعدی شیوع ویروس عنوان داشته و تحت لوای دفاع از تضییع حقوق بشرو متهم ساختن جمهوری خلق چین به اعمال تبعیض در برابر اقلیت های قومی و مذهبی، با وضع شدیدترین تحریمات تحت فشار گذاشته و این سبب شده است تا مناسبات دو کشور به پائین ترین سطح نزول نموده و به تنش اوضاع فی مابین این دو طاقت اتومی گستره مزید بخشد.

تردیدی نیست که طیف گسترده پژوهشگران امرییین المللی بدین باور هستند که با در نظر داشت این واقعیت که چین کلید نظام اقتصادی جهانی را در اختیار داشته و متناسب به شگوفائی بی رقیب اقتصادی، موفقیتهای چین در زمینه های دفاعی و تهاجمی، موجب خواهد شد تا این کشور تا چند دهه نچندان دور از رقیب امریکائی پیشی گرفته و اقتصاد بزرگ و قدرتمند ترین ارتش دنیا را در اختیار خواهند داشت و این تحولاتی خواهد بود که برای ایالات متحده پذیرفتنی نخواهد بود، اما آیا امریکا از همین اکنون با پیروی از تئوری توطئه و با اتکا به کرکتر ماهیوی نظام سرمایه با بحران سازی و خلق بحران تصنعی، با استفاده از قدرتمندی کنونی نظامی اش، با توسل به ابزار زور به مصاف رقیب خواهند شتافته و با بکارگیری تسلیحات غیر متعارف و ممنوع در برابر چین پاسخ خواهد داد؟

به باور این قلم، هرگونه اقدام نظامی علیه چین یا برعکس آن اشتباه استراتژیک خواهد بود، زیرا توسل بقوه علیه یک قدرت هستوی بدون ابهام به استعمال جنگ افزارهای متعارف کنونی یا هم استفاده به اصطلاح محدود هستوی محدود نخواهد شد و یا هر حمله پیشگیرانه به قصد وارد نمودن ضربه نخست با ملاحظه توانمندی دفاعی طرفین، کدام پیروزی را رقم نخواهند زد، بلکه بیک درگیری با ابعاد وسیع انجامیده و هر دو طرف از آخرین امکانات و ظرفیت های دفاعی و نیز تهاجمی استفاده خواهند نمود که با در نظر داشت حساسیت موضوع از منظر ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک نه تنها پای رقبای جدید منطقه دارای قدرت هستوی را به درگیری خواهند کشانید، بلکه کاربرد جنگ افزارهای هستوی به امحای کامل هر دو طرف جنگ و حتا مجموع جهان خواهد انجامید، لذا با این پندار غالب، که سلاح کشتار جمعی در نظام پیچیده جهانی بیشترین به توجه به تعدد قدرتهای اتمی، دارای نقش بازدارنده بوده تا سلاح پیروزی، لذا میتوان به این نظریه غالب محققان اهمیت داد که نظام بین المللی در آستانه تغییر مدیریت قرار داشته و آسیای پاسفیک یا بعبار دیگر جنوب آسیا بمتابسه مرکز اصلی تحولات آینده که جمهوری چین در آن حرف نخست را بیان خواهد کرد، مبدل شده و استقرار توازن جدید در مجموع در نظام بین الملل تا چند دهه بعد، سیاست و نظم موجود جهانی منجمله سیاست و اکت های بلند بالای امریکا را در عرصه مناسبات خارجی دگرگون خواهد کرد.

رویکردها:

- گزارش بین المللی مطالعات استراتژیک (ای ای اس اس) منتشره دویچه وله مورخ ۱۴-۲-۲۰۲۰
- وبگاه (چانیا مورنیک پست)
- گزارش شبکه خبری انگلیسی زبان العالم می (۲۰۲۰) گزارش اسلام تایمز و مشرق در مورد تحولات در مناسبات چین و ایالات متحده.